

اسحاقی، حسین، ۱۳۴۱ -

شگفتی های آفرینش / تألیف سید حسین اسحاقی. - قم: خادم الرضا، ۱۳۹۰.

۱۲۰ ص. - (دانشنامه جوان. - سلوک جوانی؛ ۲)

شابک جلد (۲): ISBN 978 - 600 - 206 - 014 - 2

شابک دوره: ISBN 978 - 600 - 206 - 024 - 2

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه: ۱۱۸؛ همچنین به صورت زیر نویس.

۱. خداشناسی. ۲. خدا - اثبات - ادبیات نوجوانان. الف. عنوان.

۲۹۷/۲۴

۸ ج ۵ الف / ۲۱۷ BP

دانشنامه جوان

سکون جوان

(۲)

شگفتی‌های آفرینش

سید حسین اسحاقی



قم / خیابان صفائیه (شهدا) / انتهای کوی بیگدلی
نیش کوی شهید گلدوست / پلاک ۲۸۴ / صندوق پستی ۳۷۱۵۵/۶۱۱۳
تلفن: ۷۷۴۲۱۴۲-۷۷۳۶۱۶۵ / ۰۲۵۱/۹۱۲۵۵۱۷۲۵۸

دانشنامه جوان

سلوک جوانی (۲)

شگفتی‌های آفرینش

ناشر: انتشارات خادم‌الرضا علیه السلام / مؤلف: سید حسین اسحاقی
ویراستار: سعیده مهاجر آیرملو / صفحه‌آرا: مرتضی فتح‌اللهی
طرح جلد: مرتضی شمسعلی‌پور / لیست‌گرافی: صیام
چاپ: عمران / صحافی: الهادی / شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه
بها: ۱۵۰۰ تومان

قیمت دوره ۱۴ جلدی: ۲۵۰۰۰ تومان

شابک دوره: ۲-۲۴-۰۲۰۶-۶۰۰-۹۷۸

شابک جلد: ۲-۱۱-۰۲۰۶-۶۰۰-۹۷۸

کلیه حقوق برای انتشارات خادم‌الرضا علیه السلام محفوظ است.

مرکز پخش:

ستاد اجرایی طرح توسکا (مجری توزیع سراسری کتاب ایران)
انتشارات خادم‌الرضا علیه السلام

تلفن: ۷۷۴۲۱۴۲-۷۷۳۶۱۶۵ / ۰۲۵۱/۹۱۲۲۵۱۳۶۸۹

فهرست مطالب

۹ سنّیده‌ی سخن

فصل اول

گلبرگ‌هایی از حیات زیبای خدامحوران / ۱۹

۲۱ پاکیزه جانی

۲۲ سامان یافتن رفتارهای شخصی

۲۴ وسیله انگاشتن دنیا

۲۵ سامان یافتگی رفتارهای اجتماعی

۲۶ تسخیر قلب به محبت الهی

۲۸ خدامحوران و محبت معصومین علیهم‌السلام

۳۰ مردم دوستی در سیره‌ی خدا باوران

مهرورزی و گذشت در حریم خانه و خانواده..... ۳۱

فصل دوم

شکوه آفرینش و جلوه‌های خداشناسی / ۳۳

۱. شب و روز..... ۳۵

۲. آسمان..... ۳۷

۳. خورشید..... ۳۸

۴. باران..... ۳۹

۵. حیات و زندگی..... ۴۰

۶. همسر..... ۴۱

۷. شگفتی‌های آفرینش در حیوانات..... ۴۲

۸. خلقت مرغان..... ۴۳

۹. کنترل مرموز تولید مثل..... ۴۵

۱۰. نظم پس از تولد..... ۴۷

۱۱. دستگاه گوارش..... ۴۷

۱۲. شگفتی‌های چشم..... ۴۹

۱۳. شگفتی در کار قلب و کبد..... ۵۴

۱۴. شگفتی‌های گل‌ها و گیاهان..... ۵۵

۱۵. شگفتی‌های لب و زبان..... ۵۷

۱۶. گیاهان و مواد غذایی..... ۵۸

۱۷. برگ درختان سبز..... ۶۲

۱۸. موریانه‌ها..... ۶۵

۱۹. زنبورها..... ۶۷

۲۰. پروانه‌ها ۷۰
۲۱. عنکبوت آبی ۷۱
۲۲. دریا، کانون نعمت‌های الهی ۷۳
۲۳. گلف استریم و رودهای عظیم دریایی ۷۴
۲۴. سایه ۷۶
۲۵. آفرینش زمین و کوه‌ها ۷۸
۲۶. راه‌های آسمانی ۸۰
۲۷. آفرینش در تسخیر انسان ۸۲
۲۸. مراحل چهارگانه‌ی آفرینش انسان ۸۴
۲۹. مرطوب بودن همیشگی چشم و دهان، دو نعمت بزرگ خداوند ۸۶
۳۰. لوزتین، دو تحفه خداوند به انسان‌ها ۸۷
۳۱. گودی کف پا، نشانه‌ی اوج مهرورزی پروردگار ۸۸
۳۲. انسان‌های محروم از چشم و گوش ۸۹
۳۳. شگفتی‌های دستگاه گردش خون و قلب ۹۰
۳۴. مورچه ۹۲
- مورچه در آینه ادبیات فارسی ۹۳
- مورچه در قرآن مجید ۹۴
- مورچه از دیدگاه امیر مؤمنان علی علیه السلام ۹۵
- نگاهی به لانه‌ی مورچگان ۹۷
- مورچه‌های غذارسان ۹۹
- استراحت مورچگان ۱۰۱
- مسأله‌ی اسارت در میان مورچگان ۱۰۱
- مورچه‌های خون‌خوار ۱۰۳

- ۱۰۴..... مورچه‌های کشاورز و دام‌پرور
- ۱۰۵..... ۳۵. ملخ
- ۱۰۷..... از شگفتی‌های ملخ
- ۱۰۸..... ۳۶. پشه
- ۱۱۰..... ۳۷. باران، شگرف‌ترین پدیده‌ی هستی
- ۱۱۱..... ۳۸. جاذبه‌ی زمین، نیروی حکمت‌آمیز
- ۱۱۱..... ۳۹. خواب، پدیده‌ی مهم آفرینش
- ۱۱۳..... ۴۰. باده‌ها، مبشران رحمت الهی
- ۱۱۴..... ۴۱. نور و ظلمت؛ شب و روز
- ۱۱۶..... ۴۲. کوه، نشانه‌ی حکمت الهی
- ۱۱۸..... فهرست منابع

سپیده‌ی سخن

دل آدمی، حریم خداست و غیر از او زیبنده‌ی این جایگاه نیست. پس اوراق خانه‌ی دل را باید با یاد محبوب آراست. آنچه بیش از هر چیز برای جوان واجب است، جهت دادن درست به فطرت‌هاست. اگر دل جوان به وحدانیت پروردگار ایمان آورد، نور الهی بر خانه‌ی دل او می‌تابد و آن را درخشان و آسمانی می‌سازد. بی‌گمان، برای خلوت و انس با خدا، جوانی بهترین لحظه‌هاست.

اوج بندگی و طاعت نیز در دوستی با خداست. پیامبر اکرم ﷺ از آرزو و دعای حضرت داوود چنین حکایت می‌کند:

خداوندا! من از تو، دوستی تو را و دوستی کسی که تو

را دوست دارد و کاری که مرا به دوستی تو می‌رساند،
می‌خواهم. خداوندا! دوستی خودت را برای من، از
وجودم، خانواده‌ام و از نعمت‌هایی چون آب خنک
محبوب‌تر قرار ده.^۱

در دوستی اگر گشوده شود، محبت دو سویه شکل می‌گیرد و
منادی رحمت در کلامی از خالق مهربان، در این باره می‌فرماید:
چون بنده‌ای دیدار مرا دوست بدارد، دیدارش را
دوست می‌دارم. اگر در خلوت یادم کند، در خلوت
یادش می‌کنم. چون در میان گروهی یادم کند، در
میان گروهی بهتر یادش می‌کنم. چون یک وجب
نزدیک‌تر شود، یک ذراع به او نزدیک می‌شوم و
چون یک ذراع به من نزدیک شود، یک باع (به
اندازه‌ی دو بازوی انسان) به او نزدیک می‌شوم.^۲

نشانه‌ی دوستی و محبت، یاد محبوب است؛ به گونه‌ای که
همواره و در همه حال، نام و ذکر او در وجود آدمی نقش می‌بندد.

عَلَامَةُ حُبِّ اللَّهِ تَعَالَى حُبُّ ذِكْرِ اللَّهِ؛^۳

نشانه‌ی دوستی خدای متعال، دوستی ذکر و یاد
خداست.

حضرت محمد ﷺ، مردمان را به مناجات و خلوت با خدا فرا
می‌خواند، خود بدان مأنوس بود و دیگران را نیز همواره به این
خلوت عطر آگین رهنمون می‌ساخت.

۱. پیام پیامبر، بهاء الدین خرمشاهی، ص ۶۴۴.

۲. همان، ص ۲۶۳.

۳. ۲۸۲، ۶۳، ۱۰۷۱، ۳

گفت پیغمبر که چون کوبی دری
عاقبت زان در برون آید سری
چون نشینی بر سر کوی کسنی

عاقبت بینی تو هم روی کسی
مولوی

یاد خدا و عشق به ذات لایزال خداوندی و مترنم بودن زبان
و دل آدمی به اسمای حسناى الهی، باعث شاداب نگه داشتن
گل روح است. فیلسوفان پس از اثبات وجود و بقای عالم
به واسطه‌ی عشق، این نیرو را سبب حرکت تکاملی جهان
از نقص به کمال دانسته‌اند؛ آن‌چنان که در نظریه‌ی
حرکت جوهری ملاصدرا، جهان یکپارچه در شور و غوغا و
شوق برای رسیدن به مراتب بالاتر هستی و در تکاپوی
خستگی‌ناپذیر است.^۱
مولوی می‌سراید:

تا مهر رخت بر همه ذرات بتابید
ذرات جهان را به تک و پوی تو دیدیم
در ظاهر و باطن به مجاز و به حقیقت

خلق دو جهان را همه رو سوی تو دیدیم
شاید به دلیل قدرتی که محبت و عشق حقیقی در
تحول آفرینی، تلطیف احساسات، تقویت اراده و مانند آن دارد،
محبت الهی را اساس حرکت و تکامل قرار داده‌اند.

﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ﴾^۲

۱. ملاصدرا، شواهد الربوبیه، ص ۱۵۰.

۲. بقره، ۱۶۵.

کسانی که ایمان آورده‌اند، در دوستی خسته
سخت‌ترند.

البته عشق به فضایل و زیبایی‌های اخلاقی از ایمان و اطاعت
خداوندی جدا نیست.

اما دل بستن به اموری ناپایدار و دل‌بستگی به مال و منال
پست و مقام، زینده‌ی آدمی نیست. چه زیبا نظامی گنجوی
می‌گوید:

هر صورت دلکش که تو را روی نمود

خواهد فلکش ز دور چشم تو ربو

رو دل به کسی نه که در اطوار وجود

بودست همیشه با تو خواهد بود

در صورت رسیدن به محبوب واقعی، عشق و دوستی فزون

می‌گیرد و در تار و پود آدمی نفوذ می‌کند؛ همان‌گونه که در حدیث
قدسی آمده است:

مَنْ طَلَبَنِي وَجَدَنِي وَ مَنْ وَجَدَنِي، عَرَفَنِي وَ مَنْ عَرَفَنِي

أَحَبَّنِي وَ مَنْ أَحَبَّنِي، عَشَّقَنِي وَ مَنْ عَشَّقَنِي، عَشَّقْتُهُ وَ مَنْ

عَشَّقْتُهُ قَتَلْتُهُ وَ مَنْ قَتَلْتُهُ فَعَلَيْ دِيْنُهُ وَ مَنْ عَلَي دِيْنُهُ، فَ

دِيْنُهُ!

آن کس که مرا طلب کند، مرا می‌یابد و آن کس که مرا

یافت، من را می‌شناسد و آن کس که مرا شناخت، مرا

را دوست می‌دارد و آن کس که مرا دوست داشت،

من عشق می‌ورزد و آن کس که به من عشق ورزید

من نیز به او عشق می‌ورزم و آن کس که من به

عشق ورزیدم، او را می‌کشم و آن کس را که من
بکشم، خون‌بهای او بر من واجب است و آن کس که
خون‌بهایش بر من واجب شد، پس خود من
خون‌بهای او هستم.

مولانا می‌گوید:

عشوق‌هایی کز پی رنگی بود
عشق نبود، عاقبت ننگی بود
ز آن که عشق مردگان پاینده نیست
چون که مرده سوی ما آینده نیست
عشق زنده در روان و در بصر
هر دو می‌باشد ز غنچه تازه‌تر
عشق آن زنده‌گرین گویاقی است
وز شراب جانفزایت ساقی است
عشق آن بگزمین که جمله انبیا
یافتند از عشق او کار و کیا
و اما آفرینش، ترسیم قلم قدرت پرورده‌گار عالمیان است و
چون به مشیت او تحقق یافته و با مصلحت و حکمتش عین شده
است، می‌توان با قلبی سلیم و پاک، زیبایی‌ها را دریافت. به قول
شیخ محمود شبستری: برای پی بردن به زیبایی جهان هستی باید
نازنین بود و برخوردار از نظری پاک:
نظر پاک این چنین بیند
نازنین جمله نازنین بیند

این چنین دیده‌اند درویشان
ای دریغ از صحبت ایشان

نیک خواهی نه در بداندیشی است

عیب جویی خلاف درویشی است

از حکیم ای عزیز بد ناید

هرچه او کرد، آن چنان باید^۱

اگر نگاهمان به جهان فراگیر و حکیمانه باشد، آن می شود که

زینب کبری علیه السلام بعد از آن همه رنج و دشواری، فرمود:

مَا رَأَيْتُ إِلَّا جَمِيلًا^۲

جز زیبایی، چیزی ندیدم.

بنابراین، هرچه را در منظومه‌ی هستی، با نگاهی پاک و

بی‌آلایش ببینیم، با زبان جان می‌گوییم.

جهان چون زلف و خال و خط و ابروست

که هر چیزی به جای خویش نیکوست^۳

از نگاه قرآن، آفرینش زیباست. آنچه خداوند آفریده، بر

اساس حکمت و مصلحت است. نیکو و تمام عیار است؛ همان

گونه که در آیه‌ی هفتم از سوره‌ی سجده آمده است:

الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ.

خداوند، کسی است که خلقت همه چیز را زیبا و نیکو

قرار داده است.

وعلامه طباطبایی (ره) در تفسیر این آیه فرموده است:

دقت در خلقت اشیا که هریک دارای اجزایی

متناسب با هم است و این که در آن اجزا، وسایل

۱. مجموعه آثار شیخ محمود شبستری، ص ۱۹۹.

۲. سید بن طاووس، لهوف، ص ۱۷۸.

۳. مقارنه کلامیه، ج ۱، ص ۶۸.

به رسیدن به کمال و سعادت نهاده شده است، این معنا را می‌رساند که هریک از موجودات برای خودش به دارای حسنی است که تمام‌تر و کامل‌تر از آن، برای هر موجود تصور نمی‌شود. هیچ موجودی بدان جهت که مخلوق است، متصف به بدی نمی‌شود؛ به دلیل این که خدای تعالی هر موجودی را نیکو خوانده و فرموده: ﴿الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ﴾، که اگر این را فرمایش خدا را با آیه‌ی دیگرش که فرمود: ﴿إِلَّا اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ﴾؛ خداوند، آفریننده‌ی هر چیزی است، ضمیمه کنیم، این نتیجه به دست می‌آید که آفرینش ملازم با حسن است و هر مخلوقی، بدان جهت که مخلوق است، زیباست.^۱

عارفان و شعرا نیز به شکوه و زیبایی عالم آفرینش معترفند؛ از آن جمله حکیم نظامی گنجوی سروده است:

در صُنع تو کآمد ز عدد بیش عاجز شده عقل علت اندیش
ترتیب جهان چنان که بایست کردی به مثابتی که شایست.

آن گاه که آدمی خدا جو شد، با مولای موحدان در مناجات شعبانیه هم‌نوا می‌شود که:

الهی هَبْ لِي كَمَالَ الْإِنْقِطَاعِ إِلَيْكَ وَأَنْزِلْ أَبْصَارَ قُلُوبِنَا
بِضِيَاءِ نَظَرِهَا إِلَيْكَ حَتَّى تَخْرِقَ أَبْصَارُ الْقُلُوبِ حُجُبَ
النُّورِ فَتَصِلَ إِلَى مَعْدِنِ الْعَظِيمَةِ وَتَصِيرَ أَرْوَاحُنَا مُعَلَّقَةً
بِغَرِّ قُدْسِكَ.

ایاک نستعین که ز پری میوه‌ها -

اشکسته می‌شوم، نگهم دار ای معین

کم‌تر از آن برگ ظریف و زیبا نباشیم که شاخ درخت را

می‌شکافد و از زندان خود پرستی سر برون می‌نهد و آن می‌شود

که: هر ورقش دفتری است معرفت بردگار.

مولانا نیز چنین می‌سراید:

ای برگ! قوت یافتی تا شاخ را بشکافتی

چون رستی از زندان بگو، تا ما در این حبس آن کنیم

ای غنچه! گلگون آمدی و ز خویش بیرون آمدی

با ما بگو چون آمدی تا ما ز خود خیزان کنیم